ادامه از صفحه ۱۵

موج فسادهای سیاه، خاکستری و سفید

سالانه ۴۳ هزار میلیارد تومان هزینه پرداخت یارانه است و هر ماهه وزارت اقتصاد و دارایی و وزارت نفت، با التهاب و تنش فراوان اعتبارات آن را تأمین می‌کنند و وزارت نفت که کارش توسعه و فروش نفت است، به کار خزانه‌داری گمارده شده است. این در حالی است که هزینه‌های عملکرد عمرانی کشور در سال‌های ۹۲، ۹۳ و ۹۴ به ترتیب ۲۵،۶، ۱۳ و ۲۵،۹ هزار میلیارد تومان بوده، ولی هزینه یارانه که عمدتا به افراد غیرمستحق پرداخت می‌شود، ۴۳ هزار میلیارد تومان است. یکی از دلایل اینکه هدفمندی یارانه‌ها پیشنهاد شد، ناتوانی دولت‌ها در پرداخت هزینه‌های یارانه‌ها به شکل سابق بود که کم‌کم از بودجه عمومی دولت نیز فراتر می‌رفت. البته این به‌هم‌ریختگی در پرداخت یارانه‌ها، ناشی از فقدان یک سیاست رفاهی منسجم است تا رابطه رفاه اجتماعی و توان اقتصادی را با کارآمدی و بهره‌وری سیاست‌های رفاهی برقرار کند. وزارت رفاه و تأمین اجتماعی که قانونا قادر به این مهم بود، منحل و در یک وزارتخانه کوچک ادغام شد و این رویه بلاتکلیفی کماکان ادامه دارد.

چند روز پیش، نهاوندیان از بالاکشیدن ۱۰ میلیون نفر از زیر خط فقر خبر داد که در دستور کار دولت است. با این خبر، معلوم می‌شود دولت فقر را به‌عنوان چالش پذیرفته و ریشه‌کن‌کردن آن را در دستور کار قرار داده است.

طبق گزارش بانک جهانی در سال ۱۳۵۷، ۴۰ درصد خانوارهای ایرانی زیر خط فقر درآمدی مطلق بودند که بر اثر سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی بعد از انقلاب، به‌ویژه در روستاها در سال ۱۳۷۶ به ۱۹،۸ درصد و در سال ۱۳۸۴ به ۱۰،۵ درصد رسید. اما در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ به ۳۳،۶ درصد در شهرها و ۴۰،۱ درصد در روستاها رسید که نشان‌دهنده افزایش زیاد فقر در جامعه ایران، با وجود پرداخت یارانه‌ها است. همچنین فقر چندبعدی (MPI) که به قابلیت‌های اجتماعی خانوارها ارجاع می‌شود در مناطق شهری ۱۷ درصد و در مناطق روستایی که ۴۰ درصد در سال ۱۳۹۱ بوده، در بعضی استان‌ها نظیر سیستان‌وبلوچستان در شهرها ۴۵ درصد و در روستاها ۸۲ درصد است. یا در خراسان‌شمالی ۳۱ درصد در شهرها و ۵۸ درصد در روستاها است. فقر مانع بزرگی در کاهش شدید کیفیت زندگی و مشارکت اجتماعی و اقتصادی است و موجب بروز شکاف طبقاتی و کاهش شدید سرمایه اجتماعی و افزایش شکاف دولت - ملت می‌شود و سیاست‌های کاهش فقر جزء مهم‌ترین وظایف دولت مدرن است؛ بنابراین دولت باید به همراه سیاست رفاهی، سیاست کاهش فقر مؤثری داشته باشد. اگرچه سیاست‌های پراکنده کاهش فقر در کشور وجود دارد، ولی مشخصا سیاست تجمعی هدفمندی در کشور، به انجام نمی‌رسد. البته بر اثر سیاست‌های دولت یازدهم، خط فقر از ۳۳،۶، در شهرها به ۳۱ درصد و در روستاها از ۴۰،۱ درصد به ۳۰ درصد رسیده که نوید خوبی است؛ به‌ویژه رئیس‌جمهوری اعلام کرده درصدد کاهش آن تا آخر این دوره است که مستلزم سیاست‌گذاری منسجم و اجرائی شناخته‌شده‌ای است.

به‌عنوان سؤال آخر، لازم است درباره تأثیرگذاری سیاست خارجی بر توسعه اقتصادی ایران هم صحبت کنیم. در دولت‌های نهم و دهم، این تأثیرگذاری منفی بود. اکنون شرایط چگونه است؟

ناسازگاری سیاست خارجی با توسعه اقتصادی، چالش سیزدهم از مجموعه چالش‌های توسعه اقتصادی ایران به‌شمار می‌رود. امروزه برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در کشورها، سطح معینی از سیاست خارجه سازگار و استفاده از ظرفیت‌ها و امکانات بین‌المللی ضرورت دارد. شرایط تکنولوژیکی، مالی و پولی و تجارت بین‌المللی ایجاب می‌کند ایران بتواند از ظرفیت‌ها و امکانات بین‌المللی به نفع توسعه اقتصادی و اجتماعی که لازمه این‌گونه توسعه است، سود ببرد. به دلایل مختلف ناشی از مدیریت سیاست خارجی دولت‌ها در ایران، تخاصمات دیرینه قدرت‌های بزرگ از اول انقلاب تاکنون و تحریم‌ها، ایران هنوز نمی‌تواند در حد لازم از امکانات بین‌المللی به نفع توسعه اقتصادی و اجتماعی استفاده کند. برجام فرصت بسیار خوبی برای گشایش این امر است و باید تا حد امکان از ظرفیت‌های آن به منظور استفاده از ذخایر تکنولوژیک جهان، ارتباطات مالی و پولی و تجارت بین‌المللی سود برد. پرداختن به حل ابرچالش‌ها و سپس چالش‌های عمده امری نسبی است و در این میان، با مطلق‌ها کاری نداریم. حرکت به سوی بهبود هریک از ابرچالش‌ها و چالش‌های عمده حتی به شکل نسبی، آثاری بر روند توسعه کشور دارد و مهم آن است که برای حل آنان حرکت مثبتی صورت پذیرد. بی‌تردید در شرایط حاضر که دولت دوازدهم شروع شده، حل نسبی این چالش‌ها می‌تواند نوید خوبی برای چشم‌انداز توسعه و اقتصاد کشور به همراه داشته باشد. برای حرکت به سمت حل ابرچالش‌ها و چالش‌های عمده، باید بین ذی‌نفعان توسعه در ایران، مشارکت در سطوح مختلف اجتماعی صورت گیرد و لازمه مشارکت، انجام گفت‌وگوی ملی بین همه سطوح جامعه است تا یک تفاهم ملی و اجماع نظری کلی و ملی درباره اهداف و استراتژی‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی در ایران ایجاد شود. این امر با نصیحت و تبلیغ به نتیجه نمی‌رسد و صرفا محتاج گفت‌وگوی ملی در سطوح مختلف گروه‌های اجتماعی در ایران است. محصول این گفت‌وگوی ملی می‌تواند به همبستگی و وحدت و انسجام ملی ایران کمک کند و سودمندی آن، هم به نفع توسعه اقتصادی و اجتماعی و هم به سود منافع ملی در سطوح سیاسی و امنیت ملی خواهد بود.

سعید حجاریان: به شعار «آزادی» جفا شده است

اصولگرایان چرا همان اشتباهات چپ‌ها را تکرار می‌کنند

خبرگزاری تسنیم در گفت‌وگویی که به صورت مکتوب با سعید حجاریان انجام داده، محور مصاحبه را نگاه اصلاح‌طلبان به آزادی بیان در شعار و عمل انتخاب کرده و عملکرد سابق چپ‌های خط‌امامی را دراین‌باره به رخ حجاریان کشیده است. حجاریان اما در این گفت‌وگو تأکید کرده چپ‌های خط‌امامی در سال‌های فعالیت خود اشتباهاتی داشته‌اند و چرا اصولگرایان باید همان اشتباهات را امروز تکرار کنند؟

● برای تحقق آزادی بیان، باید شرایط لازم و کافی فراهم شود؛ شرط لازم رفع موانع است و شرط کافی ایجاد مقتضیات. برای فهم بیشتر این موضوع، فردی را در نظر بگیرید که سال‌هاست در زندان به سر می‌برد و می‌خواهد برنده مسابقه دو شود. برای شرکت این فرد در مسابقه، ابتدا باید رفع مانع کرد؛ یعنی او را از بند رهاند؛ که به این عمل اصطلاحا آزادی منفی می‌گویند. در مرحله بعد، باید او را به اردوی ورزشی فرستاد و تربیت کرد و مقتضیاتی را فراهم آورد تا آماده مسابقه نهایی شود؛ که به این مرحله آزادی مثبت می‌گویند.

● اساسا فقدان آزادی باعث لکنت و گنگی می‌شود و باید برای درمان آن به رفع موانع و ایجاد مقتضیات پرداخت. حضرت امیر می‌فرماید: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ یقُولُ فِی غَیرِمَوْطِنٍ لَنْ‌تُقَدَّسَ أُمَّةٌ لَایؤْخَذُ لِلضَّعِیفِ فِیهَا حَقُّهُ مِنَ الْقَوِی غَیرَمُتَتَعْتَعٍ که ترجمه آن می‌شود: «بارها از رسول اکرم(ص) شنیدم که می‌فرمودند هیچ جامعه‌ای [از فساد] پاک نمی‌شود مگر اینکه در آن ضعیف بتواند حق خودش را بدون لکنت زبان از قوی بگیرد». فارغ از این مثال‌ها، به مثالی در زمان حال نیز می‌پردازم. بارها رفقای جناح راست از من درخواست کرده‌اند برای مناظره با آنها حاضر شوم و من پاسخ داده‌ام زمانی می‌توان به‌عنوان دو فرد آزاد به گفت‌وگو نشست که اولا اختلالی را که در گفتار من پدید آمده است، رفع کنید، ثانیا حقوق برابری را به رسمیت بشناسید و رابطه بازجو و متهم برقرار نکنید و ثالثا تضمین دهید گفتار من هرچه بود، عواقبی در پی نخواهد داشت.

● واقعیت این است که هر مقامی، ادبی دارد و ادب مناظره شرایطی دارد که به آن اشاره کردم. فقدان هریک از این شروط، باعث ارتباط‌نداشتن بین طرفین مناظره خواهد شد. نمی‌شود دوستان جریان راست ده‌ها کانال رادیویی و تلویزیونی داشته باشند و در آنها هرچه خواستند علیه ما بگویند و ما برای یک کلمه حرف، مجبور شویم صد نوع خودسانسوری را بر خود تحمیل کنیم. شاید صداوسیما در طول عمرم دو بار من را نشان داده باشد؛ یک بار موقعی که در بیمارستان سینا در حالت احتضار بودم و با مرگ دست‌وپنجه نرم می‌کردم و دیگر بار، در قضایای سال ۸۸؛ آن‌هم در دادگاه و محبس. در عوض، رقبا هر شب در کانال‌های مختلف حضور دارند و به نقد آرای ما می‌پردازند. غریبی چهره ما در تلویزیون به‌حدی بود که در سال ۸۸، خیلی‌ها می‌گفتند ببینید فلانی را چقدر و چطور زده‌اند که نمی‌تواند حرف بزند، لااقل صبر می‌کردند بهتر شود و بعد او را به تلویزیون می‌آوردند!

● معتقدم اگر قانونی مطابق با وجدان عمومی وضع شود، قطعا تساوی در برابر قانون و استقلال قوه قضائیه ضامن آزادی خواهد بود؛ و الا باید به ملاک دوم رجوع کرد که در واقع باید دید در نحوه مواجهه با مخالفان، آیا انصاف و مروت مراعات می‌شود یا خیر. این مخالف هرکسی می‌تواند باشد؛ چه اقلیت دینی، چه مذهبی، چه قومی و چه سیاسی.

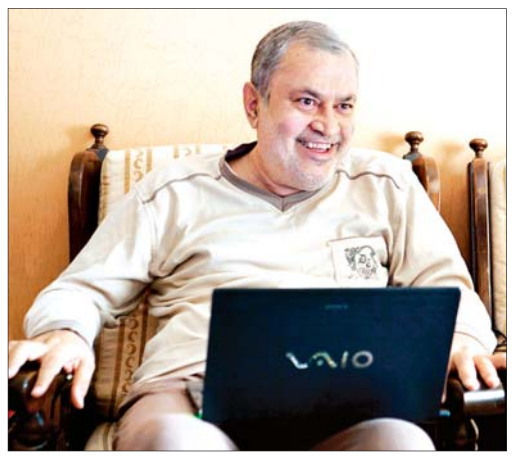

● یکی از شعارهای محوری انقلاب، آزادی بوده و قطعا نسبت به آن جفا شده است. چنان‌که از قول حضرت امیر نقل کردم، شاید یکی از شاخص‌های مهم برای اندازه‌گیری آزادی در ایران، مقوله فساد باشد. به‌میزانی که فساد بالاست به همان میزان آزادی پایین است.

● طبعا صداوسیما نمی‌تواند نقش خود را حتی در زمینه دفاع از نظام، به‌خوبی ایفا کند؛ چرا که اکنون مشخص نیست چند درصد از مردم به صداوسیما وفادار مانده و چند درصد به رسانه‌های جایگزین مانند ماهواره و شبکه‌های مجازی روی آورده‌اند. به‌هرحال، آنچه مسلم است، در ایران عده‌ای از قدرت و ثروت بهره‌مند هستند و احساس آزادی بیشتری هم می‌کنند؛ در مقابل، فلان کارگر معدن آق‌دره یا بهمان کارگر کارخانه چسب هِل که صدایی ندارد و برای خود سندیکای مستقلی ندارد، از چنین حسی بی‌بهره است. البته این مسئله فقط مختص به دوگانه فقیر و غنی نیست و بُعد سیاسی نیز مطرح است؛ آنجایی که می‌بینیم نایب‌رئیس مجلس نیز به دلیل کارگذاشتن شنود در دفترش، احساس ناامنی می‌کند.

● (در پاسخ به این پرسش که بیشترین مدعی آزادی اپوزیسیون است) مگر ما بناست خود را با اپوزیسیون‌مان مقایسه کنیم؟! ما باید وظیفه خودمان را انجام دهیم و پیشاپیش قصاص قبل از جنایت نکنیم. ممکن است بخشی از اپوزیسیون اگر به قدرت برسند، بسیار سرکوب‌گرانه عمل کنند؛ اما مگر بناست که ما عمل بالقوه آنها را شاخص رفتار خود قرار دهیم؟

● (در پاسخ به این پرسش که برخلاف ادعای اصلاح‌طلبان، در پاسداشت آزادی کارنامه آنها خلاف شعارشان است) ما شاهد بوده‌ایم که لااقل از دوم خرداد به این‌سو، چندین و چند نیروی جناح راست هریک به کیفیتی، به اردوگاه اصلاح‌طلبان کوچ کرده‌اند یا لااقل مشی اعتدالی اتخاذ کرده‌اند؛ عملی که نقطه مقابل آن را به‌سختی مشاهده می‌کنیم که این موضوع گواه مقبولیت اصلاح‌طلبان است؛ البته پیوستگی پیوندهای اصلاح‌طلبی و گسیختگی پیوندهای اصولگرایی را نیز باید مؤثر دانست که در نتیجه آن، اصولگرایان نتوانستند حتی در جمع‌های محدود، یکدیگر را تحمل کنند؛ چنان‌که در هر مقطع انشعاب و ائتلاف‌های جدیدی را شاهد هستیم.

● فرد زمانی آزاد است که جامعه‌اش آزاد باشد و بتواند در رقابت کامل خود را نشان دهد؛ و الا اگر قرار باشد فردی را در گلخانه پرورش دهند، ممکن است رشد کند؛ اما این رشد مصنوعی خواهد بود و با حذف شرایط گلخانه‌ای، از بین خواهد رفت. حضرت امیر می‌فرماید: «إِنَّ الشَّجَرَةَ الْبَرِّیةَ أَصْلَبُ عُودا وَ الرَّوَاتِعَ الْخَضِرَةَ أَرَقُّ جُلُودا وَ النَّابِتَاتِ الْعِذْیةَ أَقْوَی وَقُودا وَ أَبْطَأُ خُمُودا» که معنای آن می‌شود: «بدانید درختان بیابانی چوبشان سخت‌تر و درختان سرسبز پوستشان نازک‌تر و گیاهان صحرایی آتششان قوی‌تر و خاموشی آنها دیرتر است». که از این سخن دفاع از آزادی مستفاد می‌شود.

● (درباره آزادی دیگری، اصلاح‌طلبان نیز چندان به آزادی جناح مقابل خود پایبند نبوده‌اند، مثلا آقای حسنی امام‌جمعه ارومیه برای ماه‌ها در روزنامه صبح امروز متعلق به شما به استهزا گرفته شده، یا اعلام آمادگی آقای مصباح برای گفت‌وگو با آقای دکتر سروش رد شده است و به‌جای آن ایشان نیز وجه تمسخر قرار گرفته‌اند)، روزنامه صبح امروز هیچ‌گاه خلافی از قول آقای حسنی نقل نکرد؛ ما خبرنگاری داشتیم که هر هفته به نمازجمعه می‌رفت و صحبت‌های ایشان را دقیقا پیاده می‌کرد و متن و نوار صحبت‌ها را برای ما می‌فرستاد و ما عینا همان را چاپ می‌کردیم. غرض‌مان از این کار این بود که ستاد نمازجمعه به ایشان تذکر دهد بعضی از حرف‌ها را که موجب وهن است، بر زبان نیاورد اما کار ما اثربخش نبود. ما کارمان را ادامه دادیم ولی زمانی که این موضوع دست‌مایه‌ای شد تا دیگرانی با لهجه ایشان خطبه‌های جعلی بخوانند و پخش کنند، من عذرخواهی کرده و دستور دادم انتشار مطالب ایشان متوقف شود. من از کم‌وکیف مواجهه دکتر سروش و آقای مصباح مطلع نیستم اما شاید طیف آقای مصباح به‌دنبال مرتدتراشی بوده‌اند. و الله اعلم.

● (در پاسخ به بخشی از این پرسش که ... چپ‌های آن روز (اصلاح‌طلبان امروز) بیش از هر جریان دیگری شعار ولایت فقیه و عدالت سر می‌دادند و آزادی مدعای اول آنها نبود. عدالت، حمایت از مستضعفین، مبارزه با آمریکا دغدغه‌های اصلی اصلاح‌طلبان در آن روزها بود و حتی جریان‌هایی مانند تسخیر لانه جاسوسی آمریکا با محوریت چپ‌های آن روز، مصادیق و دلالت‌هایی بر این ادعا هستند، یا جریان ۹۹ نفر که چپ‌ها، راست‌ها را به‌دلیل عدم‌اعتنا به نظر امام درباره آقای میرحسین موسوی تا سال‌ها نواختند...) من منکر خطاهای چپ‌های خط‌امامی در زمان حیات امام نیستم؛ خطاهایی که شما به بخشی از آنها اشاره کردید. اما چپ‌های قدیم یا اصلاح‌طلبان امروز بعدها تلاش کردند خطای خود را اصلاح کنند. اما اینکه فروپاشی شوروی بر آزادی‌خواهی اصلاح‌طلبان اثر داشته است یا نه، مطمئن نیستم چراکه به‌هرحال فروپاشی یک رژیم توتالیتر و فاسد حتمی بود و برخلاف آنکه تبلیغ می‌شود، عنصر خارجی در این میان مؤثر است من معتقدم باید ریشه را در داخل جست‌وجو کرد. حال فرض کنید چپ‌های خط‌امامی در سال‌های فعالیت خود اشتباهاتی داشته‌اند، چرا اصولگرایان باید همان اشتباهات را امروز تکرار کنند؟ چپ‌های خط‌امامی چه ثمری بردند که اکنون اصولگرایان می‌خواهند ردپای ۳۰سال قبل آنها را دنبال کنند؟

ادامه از صفحه۷

مأموران از خانه آقای کروبی خارج شده‌اند

او همچنین در پاسخ به سؤالی درباره اینکه میزان بدهی بابک زنجانی که بر اساس ادعای نفتی‌ها باید با سود محاسبه شود و در مقابل وکلای زنجانی معتقدند که مبلغ صحیح همان است که در دادنامه آمده، چقدر است؟ گفت: «این موضوع چیزی مشابه سایر پرونده‌هاست؛ مانند پرونده کرسنت که طرف مقابل گفته بود اگر خسارت ندهید فلان مبلغ روی آن می‌آید. فردی که در پرونده کرسنت مدعی بود، ۱۰ سال پیش یک ادعا داشت، امروز یک ادعا دارد. در دادگاه آن را مطرح کرد؛ اجرای احکام آن مبلغ را تعیین می‌کند و اگر (وزارت) نفت ادعایی داشته باشد، پس از مطرح‌شدن باید رسیدگی شود».

محسنی‌اژه‌ای در پاسخ به سؤالی درباره آخرین نتایج لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت که از سوی دولت به قوه قضائیه ارسال شده است، عنوان کرد: «آنچه دولت تدوین کرد، حدود ۹۰ ماده است که از این میزان نزدیک به ۷۰ ماده قضائی است. این لایحه به معاونت حقوقی قوه قضائیه آمده و از دولت و حقوق‌دانان برای بررسی آن دعوت شده است. در فرایند رسیدگی به این لایحه باید دو مطلب مورد توجه قرار گیرد؛ اول اینکه در سیاست‌های کلی ابلاغی و برنامه ششم حبس‌زدایی کنیم و مجازات‌هایی تعیین کنیم که از نوع حبس نباشد. همه دستگاه‌ها باید به سمت این برویم که کمتر حبس داشته باشیم که در این موارد ارائه‌شده مجازات‌های حبس در نظر گرفته شده که باید بررسی شود آیا می‌توان آن را جایگزین کرد یا نه».

او افزود: «دومین مسئله، جرم‌انگاری است؛ چیزهایی که تخلف محسوب می‌شود را جرم‌انگاری کنیم؛ مثلا اگر کسی از چراغ قرمز رد شود، راهنمایی‌ورانندگی جریمه می‌کند و این موارد به دادگاه ارجاع داده نمی‌شود. آیا همه آنچه در اینجا (لایحه) جرم‌انگاری شده ضرورت دارد یا نه. در معاونت حقوقی این موارد در حال بررسی است. امیدواریم زودتر به جمع‌بندی برسند».

سخنگوی قوه قضائیه در پاسخ به سؤالی در رابطه با صحبت‌های معاون دادستان کل که گفته به وزارت ارتباطات گزارش تخلف هشت هزار کانال تلگرامی غیرقانونی را داده است، گفت: «امیدواریم با حضور آقای جهرمی بتوانیم زیرساخت‌های لازم و اقدامات مثبتی را برای بسته‌شدن کانال‌های تلگرامی متخلف و تهیه زیرساخت‌های فضای مجازی انجام دهیم».

ضرغامی: حصر به‌هیچ‌وجه ارتباطی با مقام معظم رهبری نداشت

ایلنا: عزت‌الله ضرغامی در برنامه جهان‌آرا گفت: رهبری با رؤسای ستادهای نامزدهای انتخابات ۸۸ جلسه برگزار کردند. حصر به‌هیچ‌وجه ارتباطی با مقام معظم رهبری نداشت و تصمیم شورای عالی امنیت ملی کشور بود. اهم اظهارات رئیس اسبق سازمان صداوسیما به شرح زیر است:

● برخی مدیران فکر می‌کنند پس از پایان کار، حتما باید پستی بالاتر بگیرند؛ این کار غلط است و می‌توان کارهای فرهنگی کرد. سیاسیون کارنامه بسیار سیاه‌تری نسبت به هنرمندان دارند.

● مناظرات سال ۸۸ بسیار تعیین‌کننده بود و نقشی اساسی در انتخاب مردم داشت. مناظرات سال ۸۸ خوب بود؛ اما اینکه چرا آن اتفاق‌ها افتاد، جای بحث دارد. آقای احمدی‌نژاد و آقای موسوی مناظره را به‌شدت دوقطبی کردند. این مناظره به‌قدری حساس بود که مجری نتوانست آن را اداره کند و بحث به گونه‌ای پیش رفت که ما باید پاسخ‌گو می‌بودیم؛ هیچ دستگاه امنیتی فتنه را پیش‌بینی نمی‌کرد، ما فکر نمی‌کردیم موسوی مصاحبه کند و خود را پیروز انتخابات بنامد و مردم را به حضور در خیابان‌ها دعوت کند.

● توصیه رهبری به احمدی‌نژاد که گفتند نامزد نشود، بسیار مهم بود؛ احمدی‌نژاد کم‌لطفی کرد و شرکت کرد.

● مناظره‌ها به‌قدری مهم بود که در سال ۹۲، من تمام افرادی را که می‌خواستند نامزد بشوند، قبل از نام‌نویسی به دفترم دعوت کردم. روحانی تأکید کرده بود مناظرات باید به صورت زنده باشد.

● شب انتخابات ۸۸ غافلگیر شدیم و من به وزارت کشور گفتم شمارش آرا را تزریقی و کم‌کم به مردم اعلام کند. در ۲۵ خرداد که درگیری‌ها رخ داد و ۳۰ کشته روی دست گذاشت، باید وارد عمل می‌شدیم و به همین منظور من هم به خانه موسوی و کروبی رفتم و با هر دو صحبت کردم و گفتم فاصله آرا ۱۲ میلیون است و نمی‌توان تقلب کرد.

● اگر خاتمی را ببینم، به او می‌گویم می‌دانستید در سال ۸۸ تقلب نشده و چرا نگفتید تقلب نیست. اگر بزرگان اصلاحات می‌گفتند تقلب نشده، اوضاع آرام می‌شد. از طرفی دیگر، جمله خس‌وخاشاکی که احمدی‌نژاد در جشن پیروزی گفت، فضا را متشنج‌تر کرد. شاید بهتر بود احمدی‌نژاد از طرفداران میرحسین برای حضور در انتخابات تشکر می‌کرد.

● من تشخیص دادم به آقای موسوی تریبون بدهیم تا تشنج کمی آرام‌تر شود. به موسوی گفتم حرف‌های خود را ضبط کنید و به ما بدهید و موسوی گفت من آنتن زنده می‌خواهم و برنامه ضبطی را قبول ندارم و آنتن زنده، هم طرف مناظره را می‌خواهد و هم مجری، که موسوی قبول نکرد. عقل زنده قبول نمی‌کرد با این شرایط، به موسوی آنتن زنده بدهیم. شاید اگر ۱۰ تریبون به موسوی می‌دادیم، حرفی برای گفتن نداشت.

● کروبی مهربان‌ترین رئیس مجلس با من بود. کروبی احساس کرد باید در زمین موسوی بازی کند. اگر خاتمی نقش مستقل خود را بازی می‌کرد و دنبال موسوی نمی‌رفت، اوضاع این‌گونه نمی‌شد.

● [درباره توهین به عکس امام راحل]: معاونت سیاسی برای نشان‌دادن عکس پاره‌شده امام خمینی با من تماس گرفت و گفت این اتفاق افتاده است. من خودم گفتم عکس پاره‌شده امام را در خبر ۲۰:۳۰ نشان دهید تا مردم بفهمند با چه کسانی روبه‌رو شده‌اند و عمده افراد سیاسی هم از این کار من حمایت کردند.

● در روز عاشورا، ضدانقلاب به میدان وارد شد و هیچ مرزبندی از جانب نامزدهای شکست‌خورده انجام نشد و گوگوش و اکبر گنجی هم با فتنه‌گران همراه شدند. مصوبه حصر، مصوبه شورای عالی امنیت ملی است که ۲۰ ماه بعد از فتنه صورت گرفت. بعد از ۹ دی، باید همه‌چیز تمام می‌شد؛ زیرا امنیت مردم بسیار مهم است. هم‌زمان با بیداری اسلامی که حرکتی مقدس بود، طراحی انحرافی برای سوق‌دادن این حرکت به سوی سوریه و ایران انجام شد. آنها برای حضور مردم در خیابان‌ها بیانیه دادند که البته آقای خاتمی همراهی‌شان نکرد و سه، چهار هزار نفر بیشتر به خیابان نیامدند که دو کشته روی دست گذاشت.

● ناطق‌نوری به من گفت با وجود ناراحتی‌ام از دست احمدی‌نژاد، حرکت سران فتنه به‌شدت محکوم است.

● در جلسه شورای عالی امنیت ملی، حصر به عنوان راه‌حل مطرح شد نه مجازات. به نظرم محاکمه سران فتنه در شرایط فعلی اصلا به صلاح نیست؛ زیرا امنیت کشور به خطر می‌افتد. اگر دوستان امنیتی حصر را کم‌کم بردارند، آرام‌آرام نگرانی‌های موجود درباره آشوب‌ها کم می‌شود.

● ما نباید با برجسته‌کردن حاشیه‌ها، اصل متن را از بین ببریم. امروز موضوع اصلی مردم، اقتصاد است و مردم در قضیه فتنه واقعا مظلوم واقع شدند. فتنه ۸۸، فتنه خواص هم بود. رهبر معظم انقلاب، هم مظلوم و هم مقتدر است.

● مستند کروبی صددرصد غیرقابل‌پخش بود. تا قبل از فتنه، میرحسین موسوی محبوب رهبری بود.